

❖ برآوردهایی وجود دارد که نشان می‌دهد تنوع و تکثر فرقه‌ها و نحله‌های فکری در خراسان، بیش از سایر نقاط کشور است؛ آیا شما این برآورد را قبول دارید؟ علت آن چیست؟

این برآوردها را شاید معاونت اجتماعی ناجا باید انجام دهد و تأیید کند؛ ولی با اطلاعاتی که من دارم، همه کلان‌شهرها و حتی شهرهایی مثل کرج، لانه این فرقه‌هاست. فرقه‌ها معمولاً در شهرهای بزرگ لانه‌سازی می‌کنند و از آن‌جا که شهر بزرگ است، دیرتر شناسایی می‌شوند. هم‌چنین به خاطر بروز حوادث و بحران‌های مختلف کیفری، اخلاقی و حقوقی در این شهرها، نهادها بیشتر درگیر مسائل مختلفی هستند که شاید کمتر به دغدغه‌های فرهنگی می‌پردازند. من به جرأت می‌گویم که مثلاً در شهر کرج، تمام فرقه‌های انحرافی به گونه‌ای نمایندگی دارند!

البته شهرهای مذهبی اولویت ویژه‌ای برای جریان‌های انحرافی دارند؛ چرا که برای آنان مهم است در شهری مثل مشهد با چند میلیون زائر بتوانند لانه کنند و مردم را به انحراف بکشند. در شهرهایی مثل قم، شیراز و سایر مکان‌هایی که محل بارگاه مطهر امام و امام‌زاده‌ای هستند نیز لانه می‌کنند تا بتوانند در اماکنی به نوعی از همه‌جا در آن جمع می‌شوند، کار فرهنگی و تبلیغی و به نوعی ضدفرهنگی انجام بدهند. به نظر من این امر به مشهد اختصاص ندارد و تمام کلان‌شهرها از این مسئله رنج می‌برند.

❖ در هر مقطعی باید حوزه‌های علمیه با کمک نهادهای اجتماعی، امنیتی و فرهنگی، جریان‌های فکری فرهنگی انحرافی را رصد و شناسایی و درصد تهدید و فرصت آن‌ها را نیز مشخص کنند.

❖ حوزه باید منشور مبارزه با فرقه‌های انحرافی را تدوین، رشته‌های تخصصی را برای این منظور راه‌اندازی و پژوهش‌کده‌های تخصصی آن را تأسیس کند.

❖ بخشی از فعالیت فضایی حوزه، به‌ویژه در مشهد، درگیری علیه یکدیگر است! عده‌ای طرفدار فلسفه اسلامی شده‌اند و عده دیگری مخالف آن هستند و به جای این‌که با هم متحد شوند و فرقه‌های انحرافی و معنویت‌های کاذب را به عنوان دشمن مشترک خود نقد کنند، با هم درگیر شده‌اند!

معرفتی و پرسش‌های مردم پاسخ دهد نداریم و این موضوع را حوزه باید هدایت و جهت‌دهی کند. حوزه و نهادهای مرتبط باید بر اساس نیازها و اولویت‌ها، نهادهای فرهنگی را ایجاد کنند. به‌طور مثال سازمان تبلیغات که مأموریت اصلی آن ارتباط با توده مردم است، فعالیت‌هایش را در سایت تبیان و خبرگزاری مهر متمرکز کرده است؛ در حالی که سازمان تبلیغات چه نیازی به خبرگزاری و گزارش اخبار سیاسی داخلی و بین‌المللی دارد؟ این‌ها هزینه‌هایی است که باید در جای دیگری هزینه می‌شد. به نظر من این اشکالات به حوزه علمیه برمی‌گردد؛ چون اگر نقشه جامع مبارزه با فرقه‌های انحرافی و یک مدیریت راهبردی داشته باشد، تمام نهادهای فرهنگی و مرتبط با روحانیت را با تقسیم کار هدفمند، نظام‌مند و جهت‌دار، هدایت می‌کند تا این مبارزه را دنبال کنند و به نتیجه برسند.

است که با برنامه‌ریزی هدفمند به مبارزه با فرقه‌های انحرافی بپردازد. البته منظور من از مبارزه، حمله سرخ‌پوستی به فرقه‌ها و تخریب مراکز آنان در ملاء عام نیست که بیشتر معروف شوند و حتی مظلوم‌نمایی کنند و باعث شود که طرفدارانی را هم جذب کنند. مبارزه با فرقه‌ها خیلی ظریف است؛ باید کاملاً روش‌مند و با عقلانیت با آن‌ها برخورد کرد و انجام درست آن، نیازمند هم‌فکری افراد عاقل، عالم و آگاه به همه جوانب است. ببینید چقدر شبکه در دنیا علیه اسلام، حکومت اسلامی و ولایت فقیه راه‌اندازی شده است؛ اما هنوز در این همه شبکه‌های نظام جمهوری اسلامی، یک برنامه جامع برای دفاع از ولایت فقیه نداشته‌ایم. بسیار جسته و گریخته در حد ده دقیقه، یک‌ربع و نیم‌ساعت برنامه‌هایی ساخته شده است، اما برنامه جامعی که مردم را به جواب سؤال‌اتشان برساند، نداشته‌ایم. متأسفانه شبکه‌هایی که به نیازهای

محرم و ماه رمضان برای ترویج معارف اسلامی از منبر استفاده می‌شود، با وجود این که خیلی مفید است و هنوز کارآمدی خود را حفظ کرده است، ولی به روش‌های چهره‌به‌چهره هم نیاز داریم. مثلاً در پارک‌ها یک میز و صندلی بگذارند و طلبه‌ای در آن‌جا حضور پیدا کند و به سؤالات مردم پاسخ دهد. یا از زمان، فیلم‌نامه و فیلم‌سازی استفاده شود؛ هر چند معتقد نیستم که حوزه خودش فیلم‌سازی کند، ولی به نظر من نوشتن فیلم‌نامه و قرار دادن آن در اختیار فیلم‌سازان و صداوسیما، وظیفه حوزه است تا این فیلم‌نامه‌ها را با نظارت حوزه و بدون دخل و تصرف کارگردان در فیلم‌نامه و انحراف آن به فیلم تبدیل کنند.

به هر حال باید ابزارهای جدید را به کار گیریم؛ پیامک، اینترنت و سایت‌های خبری، فرهنگی و تبلیغی خیلی می‌توانند کارآمد باشند. شبکه‌های ماهواره‌ای می‌توانند تأثیر بسیار زیادی داشته باشند که تا الآن هم خوب جواب داده‌اند. البته باید مراقب بود تا مردم از این شیوه‌های جریان‌های انحرافی آسیب نبینند. سایت‌هایی که سلفی‌ها و وهابی‌ها به زبان فارسی راه انداخته‌اند کم نیست؛ در حالی که اکثر شبکه‌های تلویزیونی ایران به شبکه‌های فیلم تبدیل شده است! شبکه نمایش، شبکه آی‌فیلم، شبکه تماشا و شبکه‌های دیگر هم که مرتب فیلم و کارتون پخش می‌کنند! تنها یک شبکه معرفتی داریم به نام شبکه چهار که آن هم خیلی از مباحث را پخش نمی‌کند!

❖ با توجه به تفاوت دیدگاهی که پیش از انقلاب بین انقلابیون با انجمن حجتیه در مبارزه با بهائیت وجود داشت، فکر می‌کنید انقلاب اسلامی چه بستری برای مبارزه با انحرافات آماده کرد و حکومت چه ورودی می‌تواند به این عرصه داشته باشد؟ تفاوت دیدگاه طرفداران حکومت اسلامی با انجمن حجتیه، در واقع در این بود که انجمن حجتیه به فرع، یعنی بهائیت چسبیدند و اصل را که حکومت پهلوی بود، رها کردند. طرفداران حکومت اسلامی معتقد بودند که آب آلوده را باید از سرچشمه بست و حامی اصلی بهائیت، حکومت پهلوی است که وقتی تغییر کند، می‌توان در برابر آن‌ها هم ایستاد.

اکنون که نظام و حکومت اسلامی در مسیر اسلام است، مشکل در ناهماهنگی نهادها با اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی است. نعمت نظام جمهوری اسلامی که در اختیار حوزه علمیه است، فرصت بسیار خوبی

